

## بررسی عوامل موثر بر توسعه آموزش الکترونیکی در مناطق مرزی از دیدگاه معلمان و مدیران آموزشی (مورد مطالعه؛ مناطق مرزی

شهرستان بانه ) نسیم عبدالله زاده<sup>۳۹</sup>

### چکیده

آموزش الکترونیکی به دلیل برخورداری از امکانات وسیع فناوری روز و فارغ بودن از محدودیت‌های زمان و مکان راه‌حل خوبی برای بسیاری از مشکلات آموزش سنتی به‌ویژه برای مناطق کم‌تر برخوردار می‌باشد. بنابراین این پژوهش به عوامل موثر بر توسعه آموزش الکترونیکی در مناطق مرزی شهرستان بانه پرداخته است. پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش اجراء توصیفی - پیمایشی است. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل معلمان و مدیران آموزشی دبیرستان‌های دهستان‌های آلت و نور شهرستان بانه می‌باشد که با توجه به مشخص نبودن حجم جامعه تعداد ۷۰ نفر از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌عنوان نمونه‌ی مورد تحقیق انتخاب شدند. برای جمع-

<sup>۳۹</sup> دانش آموخته دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

آوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه‌ی ۳۰ گویه‌ای) استفاده شده است. نتایج آمار استنباطی نشان داد که گویه زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری با میانگین ۲۱.۴۳ بیشترین درصد را داراست و شیوه‌ی ارزیابی فراگیران با میانگین ۱۶.۱۷ کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. این امر نشان می‌دهد که توسعه زیرساخت‌های سخت‌افزای و نرم‌افزای مهمترین اولویت توسعه آموزش الکترونیکی در مناطق مرزی است. همچنین نتایج نشان داد که مردان با میانگین ۱۱۰.۳۳ بیشتر از زنان گرایش به آموزش الکترونیکی داشته‌اند و دسترسی به این آموزش را برای مردان راحت‌تر و سریع‌تر در نظر گرفتند.

#### کلیدواژه‌ها :

آموزش الکترونیکی، مناطق مرزی، زیرساخت‌های سخت‌افزای و نرم-افزای، شهرستان بانه.

## ۱\_ مقدمه و بیان مساله

بدون شک، یکی از ویژگی‌های معرف چند دهه‌ی اخیر، توسعه مداوم تکنولوژی‌های دیجیتال بوده است. این امر با تسلط اینترنت و ابزارهای کامپیوتر و تلفن همراه، نه تنها به زندگی انسان‌ها رخنه کرده است بلکه حیطه آموزش را هم دستخوش تغییر کرده است. همان‌طور که مانوئل کاستلز<sup>۴۰</sup> بدان اشاره می‌کند، این وضعیت چندان گسترش یافته است که او آن را جامعه‌ی شبکه‌ای «جامعه شبکه‌ای»<sup>۴۱</sup> می‌نامد. جامعه شبکه‌ای که مبنای آن اینترنت و شبکه‌ای از اطلاعات گسترده است که می‌توان آن را یک ساختار اجتماعی مبتنی بر شبکه‌ها دانست، که بر پایه دانش انباشته شده در گروه‌های شبکه‌ها و از طریق فناوری-های ارتباطی و اطلاعاتی شامل میکروالکترونیک‌ها و شبکه‌های کامپیوتری دیجیتال که اطلاعات را تولید، پردازش و توزیع می‌کنند، عمل می‌کنند. این جامعه چنانچه از عنوانش برمی‌آید، بر پایه شبکه‌ها شکل گرفته است (Castells and Cardoso, 2005: 4-7).

<sup>40</sup> Castells, M

<sup>41</sup> Network community

شبکه‌ی اینترنت، بسیاری از جنبه‌های زندگی از جمله آموزش را تحت تأثیر قرار داده است. علیرغم تأثیرات زیاد و کاربرد بیش از انتظار تکنولوژی‌ها در فرایند آموزش و حتی جایگزینی آن با آموزش مدرسه‌ای، نباید از تغییر رویه‌هایی که آموزش و پرورش به‌طور کلی در این شرایط، انجام می‌دهد یا دستخوش تحول می‌شود، غفلت نمود. همچنان که /پل این مهم را چنین گوشزد می‌کند که تکنولوژی‌ها خنثی نیستند بلکه سیاسی هستند؛ آن‌ها محمل‌های مفروضات و ایده‌هایی درباره‌ی آینده جامعه هستند؛ طراحی، ترویج و استفاده از آن‌ها مکان‌هایی هستند که مبارزات قدرت انجام می‌شوند. بنابراین /پل معتقد است که آموزش و پرورش باید بر این سنت‌های انتقادی متکی باشد تا صریحاً بر این واقعیت که تکنولوژی‌ها عمیقاً در بطن روابط نابرابر در جای‌جای آموزش و جامعه به کار گرفته شده‌اند، در بطن واقعیت زنده سلطه و انقیاد که در حال جریان هستند و در بطن تضادهایی که توسط این روابط تولید شده‌اند، تمرکز کند (Apple, 2010).

بنابراین، گسترش تکنولوژی، با پیچیده شدن روابط و مناسبات گره خورده است. همگام با دسترسی بیشتر به آن، نابرابری در

دسترسی و توزیع امکانات و منابع به عنوان مسئله‌ای جدی مطرح خواهد شد. شاید در این میان، اولین موضوعی که شایسته توجه باشد، شیوه‌ای است که تکنولوژی‌های دیجیتال به عنوان یک منطق در دسترس، برای تقسیم‌بندی نهاد آموزش انجام می‌دهند. به این شیوه که آن‌ها شیوه‌های یادگیری، جابه‌جایی، کارهای عملی و گروهی، ارتباط با همکلاسی‌ها و معلمین و ... را تغییر می‌دهند.

در اواخر دهه‌ی ۹۰، جهان جذب تحولی عظیم در نظام آموزشی به نام یادگیری الکترونیکی شد. این تحول به دلیل برخورداری از امکانات وسیع فناوری روز و فارغ بودن از محدودیت‌های زمان و مکان راه‌حل خوبی برای بسیاری از مشکلات آموزش سنتی است. با وجود این واقعیتی که امروز به آن می‌توان اشاره کرد حاکی از نابالغ بودن این نوع آموزش است. در حالی که آموزش‌های اینترنتی در جهان فناوری اطلاعات به سرعت روبه‌رشد است، اما این امر در کشور و به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته هنوز به آن سطح نرسیده است که بتواند جایگزین آموزش سنتی شود. آگاهی نسبت به اینکه آموزش مجازی (الکترونیک) منجر به کاهش هزینه‌های اجرای آموزش، افزایش بهره‌وری، صرفه‌جویی در زمان، حذف تردد کارکنان به محل‌های

آموزشی و ده‌ها مزایای دیگر می‌شود، این نوع آموزش را به عنوان یک فرصت قلمداد نموده است. بنابراین این پژوهش جایگزینی و فرصت این نوع آموزش را در مناطق مرزی استان کردستان بررسی می‌نماید و عوامل موثر بر آن را ارزیابی می‌کند.

شواهد زیادی در دست است که نشان می‌دهد وضعیت عمومی مدارس مناطق روستایی و دور افتاده برای یک یادگیری مناسب، چندان مطلوب نیست (معروفی، ۱۳۷۹). امکانات ضعیف، منابع انسانی آموزش ندیده یا کم تجربه، معلمان و دانش‌آموزان بی تفاوت، عدم وجود هماهنگی لازم درون‌بخشی و بین‌بخشی و استفاده از روش‌های کهنه آموزشی از جمله مشکلات اساسی در این راه هستند، که مناطق محروم و توسعه‌نیافته با آن روبرو هستند. بنابراین، تردید درباره توان نظام‌های آموزشی در ایجاد تغییرات اساسی برای کاستن از نابرابری‌های منطقه‌ای در حالی است که نیاز کودکان نواحی دور دست یا کودکان در حاشیه، به آموزش و پرورش و مخصوصاً آموزش‌های کیفی بسیار جدی است دست زدن به اقدامات ترمیمی یا جبرانی از طریق توسعه فضای آموزشی، تزریق منابع مالی اضافی، و تأمین نیروی انسانی مطابق با استانداردها برای مبارزه با چنین نابرابری کافی نیست، چنین

اقداماتی حداکثر به ایجاد توازن نسبی در نرخ ظاهری کارایی درونی می‌انجامد (آهنچیان، ۱۳۸۶). اما این پژوهش با مفروض قرار دادن تاثیر آموزش دیجیتالی و الکترونیکی بر توسعه‌ی آموزش مناطق مرزی به عنوان مناطق محروم در کشور، و جبران نمودن کاستی‌ها و کمبودهای آموزشی در نظر دارد عوامل موثر را از نظر معلمان و مدیران دبیرستان‌های مرزی شهرستان بانه در عدم توسعه آن مورد بررسی قرار دهد. شناخت و آگاهی معلمان و مدیران آموزشی از نظریه‌های یادگیری و الگوهای تدریس اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا امکان آموزشی جایگاهی برای هدایت، نظارت و یادگیری هستند و آنها چون راهنما، ناظر و سازمان‌دهنده است. معلمان و مدیران افزون بر آگاهی-های لازم در زمینه ماده درسی باید درباره‌ی شیوه‌های طراحی آموزشی و ارزشیابی آن نیز دانش و مهارت کافی داشته باشد (شلدره-ای و همکاران، ۱۳۸۹). این ویژگی‌ها و خصایص آنها، موجب می‌شود که دیدی گسترده‌تر به نسبت تغییرات و تحولات آموزشی داشته باشند و راهکارهای ارتقای جایگاه آموزش را بهتر ارائه دهند.

## ۲- مبانی نظری

بسیاری بر این باورند چارلز وشصایر<sup>۴۲</sup>، پدر یادگیری الکترونیکی در آمریکا، از مفهوم آموزش مکاتبه‌ای فاصله گرفت و بحث مطالعه با آموزش مستقل را برجسته کرد. دیدگاه او، انتقال مسئولیت را یاددهنده و سازمان آموزش دهنده را به فراگیر می‌دهد. وید<sup>۴۳</sup>، ویژگی بنیادی یادگیری الکترونیکی را تاکید بر استقلال و آزادی اندیشه یادگیرنده می‌داند و معتقد است که یادگیرنده باید در مرکزیت یادگیری قرار گیرد. مفهوم استقلال آموزشی از نظر وینصیر اشاره به چند ویژگی دارد: (۱) قابلیت اجرا و تحقق آموزش در هر مکان و زمانی که دانشجو حضور دارد (۲) مسئولیت‌پذیری شخص یادگیرنده در فرآیند یاددهی - یادگیری (۳) قابلیت انطباق با توانایی‌های فردی (۴) یادگیری به عنوان امری درونی و شخصی قلمداد می‌شود که یادگیرنده به دلخواه خود می‌تواند درسی را به آغاز یا پایان برساند، نظریات او بر آزادی و حق انتخاب فراگیر و برقراری عدالت و میزان دسترسی به آموزش استوار است.

<sup>42</sup> Charles Wedemayer

<sup>43</sup> Weed



یکی از معروفترین نظریه‌پرداز حوزه مطالعات مستقل در نظام آموزش از دور مایکل مور<sup>۴۴</sup> طراح اولین مجله دانشگاهی آموزش از دور است (آندرسون، ۱۳۸۶). بر اساس دیدگاه مور برنامه‌های آموزش از دور بر پایه دو اصل استقلال یادگیرنده و جدایی (فاصله بین یاددهنده و یادگیرنده استوار است. صور اساس نظام آموزش از دور را یکی تعامل یاددهنده و دیگری سطوح نیازهای یادگیرنده در سلسله ساختارهای نظام آموزشی می‌دهد. البته باید گفت یادگیرنده در فرایند یاددهی یادگیری مستقل عمل می‌کند. اما در مواقع ضروری از یاد دهنده به عنوان راهنما و هدایتگر استفاده می‌کنند. شاید همین مسئولیت‌پذیری، استقلال عمل، خود جستجوگری، خود اکتشافی، نتیجه جدایی یادگیرنده از یاد دهنده باشد که آن هم نتیجه ورود فناوری‌های جدید ارتباطی به جای برخورد عاطفی و رو در روی آموزش مرسوم باشد. با ورود فناوری‌های جدید ارتباطی از جمله کامپیوتر، اینترنت، اکسترانت، تله نت، ویدئو کنفرانس در فرایند یاددهی یادگیری از یاددهنده محوری به یادگیرنده محوری با تاکید بر مرکزیت آفرینی او گرایش داشته و تبیین کننده استقلال و تبیین هدف استقلال در

<sup>44</sup> Mor, M.

تعیین روش های تدریس و مطالعه و استقلال در شیوه های ارزیابی است (حسینی، ۱۳۸۵).

یادگیری الکترونیکی با داشتن ویژگی هایی همچون افزایش کیفیت یادگیری، امکان ارائه دروس در محیط چندرسانه ای و در نتیجه جذاب تر شدن محتوا، سهولت دسترسی به حجم بالایی از اطلاعات و کاهش هزینه های آموزشی، انعطاف پذیری بالا، جمع آوری سریع بازخوردها و تجزیه و تحلیل آنها، نظارت و کنترل دقیق بر نظام آموزشی و اطلاعات، برقراری عدالت آموزشی، پشتیبانی تعداد زیادی دانشجو در یک کلاس، کاهش هزینه های مربوط به رفت و آمد و صرفه جویی در زمان، امکان بهره مندی از آموزش در هر زمان و هر مکان و در حال جایگزین شدن با شیوه های آموزش سنتی است. البته برای یادگیری الکترونیکی معایبی را نیز بر شمرده اند که از آن میان می توان به موارد زیر اشاره نمود. نبود امکان تعامل حضوری میان یاددهنده و یادگیرنده و یادگیرندگان با همدیگر، اختلال در سرعت شبکه، دشواری تولید محتوای استاندارد و با کیفیت، نیاز فراگیران به برخورداری از سواد رایانه ای دشواری اعمال این نوع از آموزش برای برخی دروس، وجود

مشکلات فنی و هزینه‌های گزاف راه‌اندازی مراکز یادگیری الکترونیکی (کیان، ۱۳۹۲)؛ بنابراین آموزش الکترونیکی می‌تواند همانند تیغ دو لبه‌ای باشد و اگر به صورت مطلوب اجرا نشود، دستیابی به فواید ذکر شده امکان‌پذیر نیست. بواسیری و همکاران (۲۰۱۲) عوامل مؤثر بر موفقیت نظام‌های یادگیری الکترونیکی در کشورهای در حال توسعه را در ۶ بعد دسته‌بندی کرده‌اند. ویژگی‌های یادگیرندگان (خودکارآمدی کامپیوتر و اینترنت و نگرش نسبت به یادگیری الکترونیکی)، ویژگی‌های مربیان (پاسخ به موقع خودکارآمدی، کنترل تکنولوژی، تمرکز بر تعامل، نگرش نسبت به فراگیران و...)، مؤسسه و کیفیت خدمات (آموزش کامپیوتر، انعطاف‌پذیری برنامه، زیرساخت و کیفیت سیستم کیفیت اینترنت، عملکرد سیستم و...)، دوره و اطلاعات کیفیت آن (کیفیت دوره، محتوای مربوطه، انعطاف‌پذیری دوره و...) و انگیزه بیرونی (سودمندی درک شده، وضوح اهداف و...) با توجه به این عوامل و عوامل دیگری که در مدل‌های مختلف یادگیری الکترونیکی به آن اشاره شده است، می‌توان نتیجه گرفت که اثربخش بودن و موفقیت نظام‌های آموزش الکترونیکی منوط به برقرار بودن عوامل یاد شده است.

### ۳- پیشینه تحقیق

شریفی و همکاران (۱۳۹۸). در مقاله «تجربه آموزش الکترونیکی در نظام آموزشی ایران: فراتحلیل اثربخشی آموزش الکترونیکی در مقایسه با آموزش حضوری» به فراتحلیل اثربخشی آموزش الکترونیکی پرداخته‌اند و آموزش الکترونیکی از اثربخشی بیشتری نسبت به آموزش حضوری برخوردار است به این صورت که پس از حذف داده های پرت، و اندازه اثر ترکیبی ۴۵ مطالعه برابر با ۰/۴۸۳ بود که بر اساس معیار کوهن این مقدار، گویای یک اندازه اثر متوسط می باشد. همچنین نتایج نشان داد که در پژوهش هایی که آزمودنی‌ها از نوع دانش آموز بودند، متغیر وابسته از نوع مهارتی و روش نمونه‌گیری، روش تصادفی بود، اثربخشی آموزش الکترونیکی بیشتر بود.

شمس و تاری و رضایی‌زاده (۱۳۹۸). در مقاله «شناسایی موانع زیرساختی و مدیریتی بکارگیری آموزش الکترونیکی در آموزش منابع انسانی» به بررسی موانع زیرساختی و مدیریتی بکارگیری آموزش الکترونیکی در بخش ستاد شرکت ملی گاز با روش مطالعه پدیدارشناسانه با مشارکت مدیران و متصدیان فنی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که موانع زیرساختی شناسایی شده

عبارتند از ضعف در ارتباطات شبکه‌ای، ضعف پشتیبانی فنی از سوی واحد IT، ضعف زیرساخت‌های فیزیکی و سخت‌افزاری و موانع مدیریتی شامل بی‌توجهی و عدم حمایت مدیران سازمان، بی‌انگیزگی کارکنان، کمبود نیروی انسانی متخصص در زمینه فناوری، جدی تلقی نکردن آموزش مجازی از سوی سازمان و ضعف نظام تشویقی و انگیزشی سازمان است.

جبار و همکاران (۱۳۹۶). در مقاله «مقایسه تاثیر آموزش الکترونیکی با روش سنتی بر یادگیری مهارت‌های زبان انگلیسی دانش آموزان» که با روش کمی و شبه آزمایشی در میان دبیرستان‌های دختر شهرستان خوی انجام گرفته است به این نتایج می‌رسند که آموزش الکترونیک در تدریس بر مهارت‌های خواندن، نوشتن، گوش کردن و صحبت کردن در درس آموزش الکترونیکی در مقایسه با روش سنتی مؤثرتر است.

سینگتای و همکاران<sup>۴۵</sup> (۲۰۱۶)، در مقاله «ارزیابی آموزش اثربخشی: مطالعه موردی وزارت کشور تایلند» که با روش کمی و با

<sup>45</sup> Siengthai,S

استفاده از اطلاعات و اسناد کتابخانه‌ای و همچنین ابزار پرسشنامه انجام گرفته است به این نتایج می‌رسند که اثربخشی آموزش به عنوان یک سیستم، به عواملی مانند ورودی برنامه‌های آموزشی بستگی دارد. این عوامل خود شامل مهارت‌های مدرس و فراگیران، دانش و توانایی؛ فرایند آموزش که ذاتاً به روش‌ها و محتواهای به کار رفته در برنامه آموزشی می‌شود. آنها در نهایت به این نتیجه می‌رسند که پیش‌نیاز و لازمه اثربخشی آموزش همسوسازی برنامه‌های آموزشی سازمان با سیاست‌ها و استراتژیهای آن، فرهنگ سازمانی موجود در زمینه یادگیری و حمایت سرپرست مستقیم از انتقال دانش و یادگیری در محیط کار می‌باشد.

لیاو<sup>۴۶</sup> (۲۰۰۴) در مقاله «بررسی نگرش یادگیرنده‌ی آموزش الکترونیکی بر توسعه‌ی مثبتی بر وب» نشان داد که یادگیری الکترونیکی فرصت‌های بیشتری را برای کاربران به عنوان یک یادگیرنده‌ی فعال ایجاد می‌نماید که می‌تواند نگرش مثبت و انگیزه‌ی بیشتری به استفاده از آن داشته باشد.

---

<sup>46</sup> Liaw, S

پژوهش‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهند که آموزش الکترونیک می‌تواند جایگزین خوبی برای آموزش سنتی باشد، هرچند بر ترکیب و به کارگیری روش‌های یادگیری و توسعه زیرساخت‌ها و فناوری‌ها تاکید دارند.

#### ۴\_ روش تحقیق

با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش درصدد بررسی وضعیت آموزش الکترونیکی و توسعه‌ی آن در مناطق مرزی شهرستان بانه است. بنابراین پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش اجراء توصیفی - پیمایشی است. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل معلمان و مدیران آموزشی دبیرستان‌های دهستانهای آلت و نور شهرستان بانه که شامل (۲ دبیرستان پسرانه و ۲ دبیرستان دخترانه) می‌باشد که با توجه به مشخص نبودن حجم جامعه تعداد ۷۰ نفر از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌عنوان نمونه‌ی مورد تحقیق انتخاب شدند. داده‌ها حاصل از پرسشنامه‌ها توسط معلمان مدیران آموزشی در سطح دبیرستان‌های پسر و دختر جمع‌آوری گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه‌ی

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های اجتماعی (شماره ۳ بهار ۱۴۰۱)

۳۰ گویه‌ای) استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ی عوامل مؤثر بر آموزش الکترونیکی عنایتی و همکاران (۱۳۹۱) بود که پایایی آن در این تحقیق به میزان ۷۹ درصد مورد تأیید قرار گرفت. این پرسش‌نامه شامل ۳۰ گویه و در یک طیف لیکرتی ۵ رجه‌ای تنظیم شده بود که ۶ حیطة ی مؤثر بر آموزش الکترونیکی شامل زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (سؤالات ۱-۵)، رشته‌های آموزشی (سؤالات ۶-۱۰)، محتوای تدریس و مفاد آموزشی (سؤالات ۱۱-۱۵)، شیوه‌ی جذب دانش‌آموز (سؤالات ۱۶-۲۰)، شیوه‌ی ارزیابی فراگیران (سؤالات ۲۱-۲۵)، ارتباطات اجتماعی و فنون همکاری (سؤالات ۲۶-۳۰) را پوشش می‌داد. پرسشنامه‌ها پس از توجیه پرسشگران در بین مدیران آموزشی توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری شد و توسط نسخه‌ی ۱۶ نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از ورود داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، میانگین و انحراف معیار برای بررسی عوامل مؤثر بر توسعه‌ی آموزش الکترونیکی و از روش‌های آمار استنباطی شامل آزمون تی مستقل برای تعیین دیدگاه معلمان و مدیران آموزشی درباره‌ی عوامل



مؤثر بر آموزش الکترونیکی برحسب جنسیت و از آزمون آنروا برای مقایسه‌ی میانگین برحسب مدرسه و منطقه استفاده شد.

## ۵- یافته‌ها

عوامل اجتماعی، اقتصادی و آموزشی عوامل مهمی هستند که بر روند توسعه‌ی آموزش الکترونیکی تاثیر می‌گذارند که از این میان می‌توان به عوامل اجتماعی چون افزایش تحرکات دانش‌آموزان، ورود به عرصه‌های آموزشی به مثابه جامعه‌پذیر شدن، عوامل اقتصادی از جمله کاهش بودجه و صرف اقتصادی این روش می‌توانند مهمترین دلایل گرایش مدارس، دانش‌آموزان و مدیران آموزشی باشد. اما عوامل آموزشی بیشتر در مدارس می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. در این پژوهش با توجه به عوامل آموزشی، اجتماعی و اقتصادی سعی شد که عوامل مؤثر بر آموزش الکترونیکی که شامل زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری (سؤالات ۱-۵)، رشته‌های آموزشی (سؤالات ۶-۱۰)، محتوای تدریس و مفاد آموزشی (سؤالات ۱۱-۱۵)، شیوه‌ی جذب دانش‌آموز (سؤالات ۱۶-۲۰)، شیوه‌ی ارزیابی فراگیران (سؤالات ۲۱-۲۵)، ارتباطات اجتماعی و فنون همکاری (سؤالات ۲۶-۳۰) می‌-

باشد، مورد توجه قرار گیرد و در قالب سوالات به مدیران آموزشی ارائه شود.

جدول شماره ۱. دیدگاه مدیران آموزشی در مورد عوامل موثر بر

### آموزش الکترونیکی

ردیف	عوامل موثر بر آموزش الکترونیکی Factors influencing e-learning	میانگین Average	انحراف معیار Standard deviation	مینیمم minimum	ماکسیمم maximum
۱	زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری	۲۱.۴۳	۳.۹۰	۱۲	۳۵
۲	رشته‌های آموزشی	۱۸.۴۱	۳.۴۳	۱۰	۳۰
۳	محتوای تدریس و مفاد آموزشی	۱۶.۲۳	۳.۲۳	۹	۲۸
۴	شیوهی جذب دانش‌آموز	۱۷.۲۳	۳.۴۵	۱۰	۳۰
۵	شیوهی ارزیابی فراگیران	۱۶.۱۷	۳.۶۵	۹	۲۸
۶	ارتباطات اجتماعی و فنون همکاری	۱۷.۴۰	۳.۸۰	۱۰	۳۰
۷	جمع	۱۰۶.۷۸	۲۱.۴۶	۶۰	۱۸۱

جدول بالا، عوامل موثر بر آموزش الکترونیکی را نشان می‌دهد که گویه

زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری با میانگین ۲۱.۴۳ بیشترین

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی

شماره ۳

درصد را داراست و شیوه‌ی ارزیابی فراگیران با میانگین ۱۶.۱۷ کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سرعت اینترنت، و دسترسی آسان و سریع به سایت‌ها و برنامه‌ها از مهمترین عواملی است که سبب ارتقای آموزش الکترونیکی در بحث از زیرساخت‌ها می‌شود. در زمینه‌ی رشته‌های آموزشی علاقه و دسترسی به امکانات آموزشی، در اولویت پاسخ‌دهندگان قرار گرفت. در بحث از محتوای تدریس و مفاد آموزشی، مطالب جدید و کاربردی به عنوان اولویت ارتقای آموزش الکترونیکی مدنظر معلمان و مدیران قرار گرفت. همچنین در بحث از شیوه‌ی جذب دانش‌آموز، اولویت مربوط به شیوه‌های تعامل و سازگاری معلمان با دانش‌آموزان قرار داده شد. در بحث از ارزیابی فراگیران، به نحوه امتحانات مجازی و شیوه‌های نوین آموزش تاکید شد. و در آخر ارتباطات اجتماعی و فنون همکاری، توسعه همکاری مجازی معلمان و مدیران با دانش‌آموزان محور قرار گرفت.

جدول شماره ۲. بررسی عوامل موثر بر آموزش الکترونیکی در مناطق مرزی براساس تفکیک جنسیتی

ردیف	جنس Gender	میانگین Average	Standard انحراف معیار deviation
۱	مرد	۱۱۰.۳۳	۲۰.۲۳
۲	زن	۱۰۴.۴۱	۱۶.۷۸

جدول نشان دهنده عوامل موثر بر آموزش الکترونیکی در مناطق مرزی براساس تفکیک جنسیتی می باشد. برای ارزیابی نگرش جنسیتی به آموزش الکترونیکی، این عوامل را براساس تفکیک جنسیتی در میان پاسخ دهندگان بررسی کردیم که نتایج نشان داد مردان با میانگین ۱۱۰.۳۳ بیشتر از زنان گرایش به آموزش الکترونیکی داشته اند. همچنین درصد بالایی از زنان با ۱۰۴.۴۱ درصد بر تاثیر عوامل موثر ذکر شده بر آموزش الکترونیکی تاکید داشتند.

جدول شماره ۳. بررسی عوامل موثر بر آموزش الکترونیکی در مناطق مرزی براساس تفکیک رشته های

تحصیلی

ردیف	رشته تحصیلی Field of Study	میانگین Average	انحراف معیار Standard deviation
۱	علوم انسانی	۱۰۰.۰۰	۱۳.۱۱
۲	علوم تجربی	۱۱۰.۱۲	۱۴.۴۴
۳	فنی و حرفه ای	۱۱۰.۰۱	۱۴.۵۶
۴	ریاضی	۱۰۰.۲۲	۱۳.۲۲

یکی از یافته‌های این تحقیق در زمینه عوامل موثر بر آموزش الکترونیکی در مناطق مرزی با توجه به رشته‌های تحصیلی دانش‌آموزان و نیاز به آموزش الکترونیکی در این رشته‌ها چنین بود که علوم تجربی با بیشترین میانگین ۱۱۰.۱۲ درصد را به خود اختصاص داد. نتایج نشان می‌دهد که مدیران آموزشی، نیاز به آموزش الکترونیکی را در رشته‌ها متفاوت می‌دانند و در میان رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی، فنی و حرفه‌ای و ریاضی که در دبیرستان‌ها تدریس می‌شوند، رشته‌های علوم تجربی را در اولویت قرار می‌دهند. به ترتیب اولویت رشته‌های فنی و حرفه‌ای با میانگین ۱۱۰.۰۱ درصد در رتبه دوم قرار دارد. همچنین نتایج نشان داد با توجه به اینکه مدیران، رشته علوم انسانی را بیشتر یک رشته‌ای می‌دانستند که نیاز چندانی به آموزش الکترونیکی نداشت آن را در جایگاه آخر قرار دادند.

جدول شماره ۳. بررسی عوامل موثر بر آموزش الکترونیکی در مناطق مرزی براساس تفکیک منطقه

جغرافیایی (شهر - روستا)

ردیف	منطقه جغرافیایی (شهری و روستایی) Geographical region (Urban and rural)	میانگین Average	انحراف معیار Standard deviation
۱	شهر	۱۱۵.۳۳	۱۸.۹۹
۲	روستا	۱۰۱.۱	۱۲.۳۳

جانستون معتقد است که ابعاد برابری فرصت‌های آموزشی، شامل موارد زیر می‌باشد: برابری فرصت‌های آموزشی در بین طبقات مختلف اجتماعی، برابری فرصت‌های آموزشی برای جنسیت‌های مختلف، برابری فرصت‌های آموزشی برای اقوام و نژادهای مختلف یک جامعه، برابری فرصت‌های آموزشی برای مناطق شهری و روستایی و... محدودیت‌ها و عوامل بازدارنده‌ای که دستیابی به هدف‌های آموزش را به تاخیر می‌اندازد، ریشه در نابسامانی‌های عمومی اقتصادی و اجتماعی دارند (اسماعیل سرخ، ۱۳۸۰). در حال حاضر نابرابری‌های آموزشی، یکی از مقوله‌های بسیار مهم در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی است که سهم و نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش و بهبود آموزش دارد. هنگامی که از نابرابری یا برابری فرصت صحبت می‌شود، منظور نابرابری فرصت بین دختران و پسران در برخورداری از آموزش، نابرابری بین اقلیت‌های مذهبی یا نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی در بین مناطق مختلف کشور می‌باشد (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۸۴). از مطالعه ادبیات نابرابری‌های آموزشی می‌توان نتیجه گرفت که فقر و اختلاف بین شهر و روستا، از جمله عواملی است که در تعیین نرخ ترک تحصیل و پوشش‌های تحصیلی مؤثرند. در بسیاری از کشورها، روستاها

در مقایسه با مناطق شهری، از توجه کمتری برخوردارند (اسماعیلی سرخ، ۱۳۸۶). نتایج نشان می‌دهد نسبت کادر آموزشی به غیر آموزشی، نسبت دانش‌آموز به نیروی غیر آموزشی، و توزیع معلمان بر اساس سابقه کار بین دو منطقه روستایی و شهری تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود..

نتایج در این بخش نشان داد که نابرابری در سطح آموزش الکترونیکی در روستاها و شهر (بانه)، از نظر معلمان و مدیران آموزشی وجود دارد. آنها میانگین عامل را در شهر ۱۱۵.۳۳ و در روستاهای مورد بررسی ۱۰۱.۱ درصد برآورد کردند. این امر نشان از نابرابری در دسترسی به امکانات آموزش الکترونیکی است که در صورت جبران کمبودها می‌تواند در سطح روستاها هم به افزایش و ارتقای آن دست زد.

#### ۶- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به توسعه آموزش دیجیتال و الکترونیکی از دهه‌ی ۹۰ میلادی و رشد بی‌سابقه در دو دهه‌ی اخیر، آموزش دچار تغییرات اساسی شده است. تاثیرات بی‌سابقه‌ی آموزش الکترونیکی بر کاهش هزینه‌ها، حذف تردد معلمان، توجه به امکانات و زیرساخت‌های آموزش الکترونیکی و

ایجاد الگوهای تدریس و شیوه‌های نوین ارتباطات سبب شده است که این مار برای مناطق کمتر برخوردار به عنوان یک راهکار اساسی مطرح شود. این پژوهش با این فرض اساسی سعی داشته است که عوامل موثر بر آموزش الکترونیکی در مناطق مرزی شهرستان بانه \_دهستان‌های آلت و نور\_ را مورد ارزیابی قرار دهد. بنابراین با توجه به مشخص نبودن حجم جامعه تعداد ۷۰ نفر از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌عنوان نمونه‌ی مورد تحقیق انتخاب شدند. داده‌ها حاصل از پرسشنامه‌ها توسط معلمان مدیران آموزشی در سطح دبیرستان‌های پسر و دختر جمع‌آوری گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه‌ی ۳۰ گویه‌ای) استفاده شده است. این پرسش‌نامه در تکنیک طیف لیکرتی ۵ رجه‌ای تنظیم شده بود که ۶ حیطه‌ی مؤثر بر آموزش الکترونیکی شامل زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری، رشته‌های آموزشی، محتوای تدریس و مفاد آموزشی، شیوه‌ی جذب دانش‌آموز، شیوه‌ی ارزیابی فراگیران، ارتباطات اجتماعی و فنون همکاری) را پوشش می‌داد. نتایج آمار استنباطی نشان داد که گویه زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری با میانگین ۲۱.۴۳ بیشترین درصد را داراست و شیوه‌ی ارزیابی فراگیران با



میانگین ۱۶.۱۷ کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. این امر نشان می‌دهد که توسعه زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم‌افزاری مهمترین اولویت توسعه آموزش الکترونیکی در مناطق مرزی است. نتایج پژوهش شمس و تاری و رضایی‌زاده (۱۳۹۸) نیز این نکته را مورد تاکید قرار می‌دهد.

در زمینه‌ی رشته‌های آموزشی علاقه و دسترسی به امکانات آموزشی، در اولویت پاسخ‌دهندگان قرار گرفت. در بحث از محتوای تدریس و مفاد آموزشی، مطالب جدید و کاربردی به عنوان اولویت ارتقای آموزش الکترونیکی مدنظر معلمان و مدیران قرار گرفت. پژوهش سینگتای و همکاران (۲۰۱۶) نشان از اثربخشی محتوایی این روش دارد. بنابراین در این شیوه، دانش آموزان با آموزش نوین و الگوهای جدید آموزشی آشنا می‌شوند و اطلاعات جدید و زیادی را کسب می‌کنند. همچنین پژوهش حاضر با نتایج شریفی و همکاران (۱۳۹۸) هم‌گویای این امر است که آموزش مجازی می‌تواند بر آموزش حضوری ارجحیت پیدا کند. همچنین این نتایج با نتیجه پژوهش لیاو (۲۰۰۴) در مقاله «بررسی نگرش یادگیرنده‌ی آموزش الکترونیکی بر توسعه‌ی

مبتنی بر وب»، همراستا است. همچنین در بحث از شیوه‌ی جذب دانش‌آموز، اولویت مربوط به شیوه‌های تعامل و سازگاری معلمان با دانش‌آموزان قرار داده شد. در بحث از ارزیابی فراگیران، به نحوه امتحانات مجازی و شیوه‌های نوین آموزش تاکید شد. و در آخر ارتباطات اجتماعی و فنون همکاری، توسعه همکاری مجازی معلمان و مدیران با دانش‌آموزان محور قرار گرفت.

همچنین نتایج نشان داد که مردان با میانگین ۱۱۰.۳۳ بیشتر از زنان گرایش به آموزش الکترونیکی داشته‌اند و دسترسی به این آموزش را برای مردان راحت‌تر و سریع‌تر در نظر گرفتند. همچنین براساس نتایج مدیران آموزشی، نیاز به آموزش الکترونیکی را در رشته‌ها متفاوت می‌دانند و در میان رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی، فنی و حرفه‌ای و ریاضی که در دبیرستان‌ها تدریس می‌شوند، رشته‌های علوم تجربی را در اولویت قرار می‌دهند. همچنین در زمینه‌ی تفکیک منطقه‌ی جغرافیایی، پاسخ‌دهندگان بر نابرابری در دسترسی شهر نسبت به روستاها در شهرستان بانه تاکید داشتند و میانگین عامل را در شهر ۱۱۵.۳۳ و در روستاهای مورد بررسی ۱۰۱.۱ درصد برآورد کردند.

بنابراین می‌توان گفت که مهمترین عواملی که مانع توسعه‌ی آموزش الکترونیکی به عنوان یک شیوه آموزش جدید در مناطق مرزی می‌شود شامل امکانات ضعیف، منابع انسانی آموزش ندیده یا کم تجربه، معلمان و دانش آموزان بی‌تفاوت، عدم وجود هماهنگی لازم درون بخشی و بین بخشی و استفاده از روش‌های کهنه‌ی آموزشی از جمله مشکلات اساسی در این راه هستند. فرض می‌شود که محرومیت‌های زمینه، حتی آموزش‌های به روز و پیشرفته را بی‌نتیجه و کم اثر می‌کند. بنابراین باید به کاهش محرومیت‌های زمینه‌ای اقدام نمود.

#### منابع

- آندرسون، ا.ف. (۱۳۸۶). یادگیری الکترونیکی از تنوری تا عمل. مترجمین عشرت زمانی و امین عظیمی، تهران: موسسه توسعه فناوری اطلاعات آموزشی مدارس هوشمند.
- آهنچیان، م. (۱۳۸۶). فرصت‌های آموزشی و نابرابری‌های منطقه ای در مدارس مناطق مرزی و غیرمرزی استان خراسان رضوی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۴(۳) (ویژه نامه علوم تربیتی)، ۲۷-۴۴.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=93851>

جباری، ک.، و ایمان زاده، ع.، و احمدزاده پورناکی، ر.، و همراه  
زاده، م. (۱۳۹۶). مقایسه تاثیر آموزش الکترونیکی با روش سنتی  
بر یادگیری مهارت های زبان انگلیسی دانش آموزان. فن آوری  
اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، ۷(۳) (پیاپی ۲۷)، ۱۲۷-  
۱۴۳.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=309540>

حسینی، ع. (۱۳۸۵)، مجموعه مقالات آموزش از راه دور، -  
موسسه آموزش از راه دور.  
سرخ، اسماعیل (۱۳۸۶). نابرابری های آموزشی و نابرابری های  
فضایی در بعد قومی و منطقه ای (مطالعه موردی دوره ابتدایی  
استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰، فصلنامه  
تعلیم و تربیت، سال ۲۳ شماره ۳.  
شریفی، م.، و فتح آبادی، ج.، و شکری، ا.، و پاکدامن، ش.  
(۱۳۹۸). تجربه آموزش الکترونیکی در نظام آموزشی ایران:

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های اجتماعی (شماره ۳ بهار ۱۴۰۱)

فرا تحلیل اثربخشی آموزش الکترونیکی در مقایسه با آموزش حضوری. پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۱۱۷ (پیاپی ۲۵)، ۲۴-۹.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=510544>.

شلدراهی و همکاران (۱۳۸۹). روش های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آن در آموزش، تهران، انتشارات فرتاب.

شمس، غ.، و تازی، ف.، و رضایی زاده، م. (۱۳۹۸). شناسایی موانع زیرساختی و مدیریتی بکارگیری آموزش الکترونیکی در آموزش منابع انسانی. تدریس پژوهی، ۷(۳)، ۹۱-۱۱۶.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=510962>.

عنایتی، ط، خسروی، م. (۱۳۹۱)، عوامل مؤثر بر توسعه آموزش الکترونیکی در دانشگاه آزاد اسلامی، استان شرق، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.

گروه مشاوران یونسکو. (۱۳۸۴). فرایند برنامه ریزی آموزشی. ترجمه فریده مشایخ. چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات مدرسه.

فصلنامه تخصصی جامعه شناسی کاربردی و پژوهش های اجتماعی (شماره ۳ بهار ۱۴۰۱)

معروفی، یحیی (۱۳۷۹). بررسی برابری فرصت‌های آموزشی در دوره متوسطه در شهرستانها و مناطق آموزشی تابعه استان کردستان در سنوات تحصیلی ۷۱-۷۲ الی ۷۷-۷۸ شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان کردستان.

Apple, M. W. (2010). Global crises, social justice, and education (London: Routledge).

Castells, E and Cardoso, G. (2005), the Network Society from Knowledge to Policy, Washington DC: J. Hopkins, Centre for Transatlantic Relations.

Liaw, S.(2004).Considerations for developing constructivist web-based learner attitudes toward e-learning, International Journal of Instructional Media.No.31, Pp.309-321.

Polat, S & Turkyilmaz, A. (2019), Inequality of Education in Turkey: A Comparison of Demographic Groups, Turkish Studies, November 1, 2019.

Siengthai S, Boonkrob D, Siengthai M. Evaluation of training effectiveness: A case study of the Ministry of Interior, Thailand. Comprehensive

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های اجتماعی (شماره ۳ بهار ۱۴۰۱)

Research Journal of Management and Business  
Studies,(CRJMBS). 2016; 1(1): 7-14.

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های اجتماعی (شماره ۳ بهار ۱۴۰۱)